جام جم
حوادث ۲۳
INCIDENT
شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۳ شماره ۶۷۸۳

انهدام ۲ باند بزرگ جعل اسناد

دو باند بزرگ سازمان‌یافته جعل اسناد و مدارک دولتی در کرمانشاه متلاشی و ۱۴ نفر بازداشت شدند.

سردار مهدی حاجیان، فرمانده انتظامی استان کرمانشاه در این باره به جام جم گفت: پس از اطلاع ماموران پلیس آگاهی و پلیس فتا از فعالیت باندهای سازمان‌یافته در زمینه جعل اسناد هویتی و مدارک شناسایی در کرمانشاه، تحقیقات آغاز و سرانجام ۱۴ عضو دو باند سازمان‌یافته در رابطه با جعل اسناد دولتی، طی عملیات‌هایی منسجم و مقتدرانه، دستگیر شدند. در بازرسی از مخفیگاه اعضای باند بیش از ۳۰۰۰ سند و مدرک جعل شده و اوراق هویتی جعلی که به گفته متهمان برای برخی از آنها تا مبلغ ۱۹۰ میلیون ریال هم وجه دریافت کرده بودند، کشف شد.

وی افزود: حوزه فعالیت اعضای باندهای متلاشی شده حتی به خارج از استان کرمانشاه هم کشیده شده بود و از استان‌های دیگر نیز سفارش دریافت کرده بودند. با اقدام به موقع ماموران پلیس آگاهی و فتا در شناسایی و دستگیری اعضای باند جعل اسناد دولتی، مبلغ ۲۶۰ میلیارد ریال نیز در حساب بانکی آنها مسدود شد. بیش از ۱۰۰ گروه در فضای مجازی که متعلق به باندهای سازمان یافته جعل اسناد و مدارک دولتی و اوراق شناسایی و مسدود شدند. افرادی هم که متقاضی اسناد جعلی هستند تحت تعقیب قرار دارند، چراکه استفاده از آنها جرم بوده و قطعا با این افراد نیز برخورد می‌شود.



«جام جم» از طرح تجهیز لباس ماموران به دوربین گزارش می‌دهد

چشم سوم پلیس در انتظار بودجه

مجید غمخوار
گروه حوادث

سال‌هاست که نصب دوربین روی لباس مأموران پلیس برای استفاده در مأموریت‌ها و ضبط حوادث و کنترل رفتار مأموران حین خدمت، به دغدغه نخست پلیس تبدیل و هر از چندگاهی با مصاحبه فرماندهان این نیرو، یا رخداد حوادث جنجالی به موضوعی داغ در جامعه تبدیل می‌شود اما پس از مدتی به علت نبود تجهیزات کافی تولید یا نداشتن بودجه به فراموشی سپرده شده است. این روزها با گردنکشی برخی اراذل در برابر مأموران پلیس و همچنین اجرای طرح نور در کشور، بار دیگر لزوم نصب دوربین روی لباس این مأموران برای ثبت وقایع و جلوگیری از ایجاد حواشی و شایعات، بیش از گذشته احساس می‌شود.

چرا دوربین لازم است؟

مأموران پلیس به‌ویژه نیروهای ۱۱۰ و کلانتری‌ها به دلیل مأموریت‌های مختلف روزانه و دستگیری متهمان خطرناک، بیشتر از نیروهای دیگر به دوربین نیاز دارند. اگر مأموری روی لباسش دوربین نصب باشد با خیال آسوده‌تر دست به اسلحه برده و مجرمان خطرناک، اراذل و اوباش و گردنکشان مقابل قانون را زمین‌گیر می‌کنند. برخی مأموران به‌دلیل نبود دوربین و دردسرهای بعد از تیراندازی به سوی متهمان، کمتر دست به اسلحه می‌برند و برای انجام این کار دچار تردید می‌شوند که نمونه بارز آن شهید رنجبر در استان فارس بود که وقتی از متهم خطرناک خواست تسلیم پلیس شود، مرد شرور با چاقو به او حمله کرد و گردن جناب سرگرد را برید و او را به شهادت رساند. در تصویر منتشر شده از صحنه، مأمور پلیس در حالی که اسلحه در دستش بود بنا به دلایلی از شلیک به سمت متهم خودداری و با صحبت قصد داشت او را خلع سلاح و دستگیر کند که شرور جوان در یک جنایت هولناک، سرگرد رنجبر را به شهادت رساند و سرباز همراه او را به شدت مجروح کرد. در حادثه دیگری در محله نامجو افسر پلیس به سمت سارق خانه دختر جوان شلیک نکرد و دزد خشن با فروکردن چاقو در قلب مأمور، او را به شهادت رساند. حال اگر دوربین روی لباس این مأموران نصب بود آنها با اطمینان بیشتری دست به اسلحه برده و با مجرمان خطرناک برخورد می‌کردند.

وضعیت استفاده از دوربین در کشورهای دیگر

تجربه موفق سایر کشورها در استفاده از دوربین روی لباس پلیس نشان می‌دهد دوربین، روی رفتار با متهمان تأثیر زیادی دارد. براساس مطالعاتی که در آمریکا انجام شده است شکایت از مأمورانی که به دوربین البسه مجهز هستند ۱۷ درصد کاهش یافته است و بدرفتاری آنها هنگام مواجه با متهمان تا ۱۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. در آلمان نیز با نصب دوربین روی لباس مأموران اعلام شده است که این کار علاوه بر ثبت جرایم متهمان و رفتار پلیس در بازسازی صحنه جرم مؤثراست.

در حال حاضر در فرانسه نیز پلیس ملی و شهری به دوربین‌های البسه مجهز هستند تا تمام وقایع را ثبت کنند.



۱۵۰ هزار دوربین نیاز داریم

براساس قانون هفتم توسعه، پلیس موظف است روی البسه نیروهای خود دوربین نصب کند تا داده‌های مکانی و عملیات‌هایش ثبت شود اما به‌دلیل نداشتن بودجه کافی این طرح از برنامه‌های پیش‌بینی شده عقب افتاده و به کندی پیش می‌رود.

آن‌طور که سردار احمدرضا رادان، رئیس پلیس کشور می‌گوید، باید روی لباس ۱۵۰ هزار پلیس دوربین نصب شود و در حال حاضر فقط ۲۰ هزار دوربین روی لباس‌ها نصب شده که از این تعداد ۸۰۰۰ دوربین به صورت آنلاین بوده و ۱۲ هزار دوربین به صورت آفلاین فعال هستند.

وی ادامه داد: اثرگذاری این مصوبه منوط بر این است که در متمم این قانون موضوع اعتبارات آن به خوبی و براساس نیاز دیده شود. باید توان مالی این طرح هم در نظر گرفته شود.

رادان معتقد است اجرای این طرح به پلیس، مردم و همه دستگاه‌های نظارتی در ارتقای امنیت کمک خواهد کرد.

وی تاکید کرد که امیدواریم امسال بودجه این طرح به صورت کامل اختصاص داده شود تا بتوانیم روی لباس ماموران دوربین نصب کنیم.

عدلیه

شهریه کلاس سرقت؛ ۱۰ میلیون تومان

دو برادر برای رهایی از مشکلات مالی در کلاس‌های سرقت خانه دزد حرفه‌ای شرکت کرده و سارق سریالی خانه‌ها شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته رهگذران در حال عبور از یکی از محله‌های شمال شرق تهران متوجه دعوای دو برادر دوقلو شدند که در میان حرف‌هایشان می‌گفتند درگیری بر سر دلارهای سرقتی است. با تماس اهالی ماموران به محل آمده و در بازرسی دو برادر مقدار زیادی دلار پیدا کردند. بهرام یکی از متهمان در اظهاراتش گفت: سال گذشته یکی از دوستانم به بهانه سرمایه‌گذاری در ارز دیجیتال و خرید ملک در دبی تمام سرمایه‌ام را گرفت و فرار کرد.

افسرده شده بودم و می خواستم خودکشی کنم که برادردوقلویم که او نیز شرایط مالی خوبی نداشت مانع شد. برای خروج از این مشکلات مالی تصمیم گرفتیم، سارق شویم.

سراغ یک دزد سابقه‌دار رفتیم و با پرداخت ۱۰ میلیون تومان روش دزدی از خانه‌ها را یاد گرفتیم. بعد هم سرقت‌ها را شروع کردیم. از خانه‌ها بیشتر دلار، سکه و طلا سرقت می‌کردیم. در سرقت‌های آخر کلی دلار نصیب‌مان شد اما سر سهم به اختلاف خوردیم که همین باعث لو رفتن سرقت‌های سریالی‌مان شد. سرهنگ علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با تایید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهم، برادرش هم گفته‌های او را تایید کرد. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.



اتفاقیه

۳ روز در جست‌وجوی دختر دانش‌آموز



با گذشت سه روز از ناپدید شدن دختر ۱۷ ساله خرم‌آبادی و در حالی‌که خانواده دختر نوجوان در بیم و نگرانی به سر می‌بردند، سرانجام امدادگران جمعیت هلال‌احمر شهرستان خرم‌آباد، پیکر بی‌جان او را در ارتفاعات بالادست اردوگاه منطقه کمالوند یافتند.

سه روز پیش، وقتی بازگشت دختر ۱۷ ساله از کتابخانه به خانه بیش از حد طول کشید، خانواده‌اش با نگرانی با تلفن همراه او تماس گرفتند، اما جز بوق ممتد، هیچ پاسخی دریافت نکردند. والدین دختر نوجوان که به شدت نگران بودند، از پلیس و امدادگران هلال احمر شهرستان خرم‌آباد درخواست کمک کردند. باقر اصفهانی، معاون و مسئول امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر شهرستان خرم‌آباد در توضیح حادثه به خبرنگار جام جم گفت: «با اعلام گزارش مرکز پیام هلال احمر استان در خصوص مفقودی دختر نوجوان ۱۷ ساله، با تیم آنست و سگ‌های زنده‌یاب دو منطقه از لرستان مانند کمالوند را مورد جست‌وجو قرار دادیم.

در ادامه ماموران آگاهی به ما اعلام کردند که به سمت روستای گیله‌وران حرکت کنیم، زیرا خانمی اطلاع داده که فردی را با این مشخصات مشاهده کرده است. با اعلام این خبر به سرعت به سمت غرب استان لرستان و روستای گیله‌وران حرکت کردیم. در منطقه حدود ۱۰ تا ۱۵ هکتار از زمین‌ها و باغ‌های کشاورزی تا خانه‌های مسکونی پایین دست روستای گیله‌وران را جست‌وجو کردیم، اما ردی از او پیدا نکردیم. در نهایت هلی‌شات وارد عملیات شد تا ارتفاعات نیز مورد کاوش قرار گیرد. در نهایت، هلی‌شات دخترنوجوان را دقیقا بالای اردوگاه آموزشی فرهنگی آموزش و پرورش استان لرستان و درحالی‌که نشسته بود، پیدا کرد.

ما به قصد احیا در محل حضور پیدا کردیم، اما متاسفانه با پیکر بی‌جان او مواجه شدیم. هیچ آثاری از ضرب و شتم یا جراحت روی او نبود و با حضور ماموران آگاهی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد تا علت اصلی مرگ مشخص شود.

عدلیه

قتل همسر برای گرفتن پول مواد

مرد شیشه‌ای برای گرفتن پول مواد مخدر، همسرش را با ضربه‌های چاقو کشت. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۲۲ شامگاه شانزدهم خرداد امسال زنی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و از قتل زن جوان همسایه‌شان خبر داد. ماموران راهی خانه مورد نظر در جنوب تهران شده و با جسد زن ۲۵ ساله مواجه شدند که با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بود. با تحقیق از همسایه‌ها مشخص شد، مقتول با همسر معتادش اختلاف و درگیری داشت و آخرین بار هم همسرش را در ساختمان دیده بودند. این مرد تحت تعقیب قرار گرفت و بازداشت شد. متهم با انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی تهران گفت: از دو سال قبل گرفتار اعتیاد به شیشه شدم و کارم را از دست دادم. زیاد به خانه نمی‌آمدم و کارتن‌خواب شده بودم. از خانواده‌ام و همسرم به زور و تهدید پول مواد می‌گرفتم. آن شب دوباره به خانه رفتم تا از او پول خرید شیشه بگیرم. او در خانه‌های مردم کار می‌کرد و به‌سختی پول به دست می‌آورد. این بار نمی‌خواست پولی به من بدهد. دعوای‌مان شد. در این درگیری با چاقو به او ضربه‌هایی زدم و فرار کردم. سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تایید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف مرد همسرکش او در بازداشت به سر می‌برد.



متهمان در جلسه محاکمه منکر اتهامات خود شدند

توطئه همسر سوم و زن مستاجر برای قتل پیرمرد



زن مستاجر که متهم است با همدستی همسر سوم صاحبخانه‌اش، پیرمرد را به قتل رسانده، برای رهایی از قصاص ادعای عجیبی مطرح کرد. او مدعی شد همسر سوم پیرمرد قاتل است و با وعده پول او را مجبور کرده قتل را گردن بگیرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، آذر سال ۱۳۹۸ مردی با ماموران پلیس تهران تماس گرفت و از زخمی شدن یکی از همسایه‌هایش خبر داد. بلافاصله ماموران به محل حادثه رسیدند و متوجه شدند مرد مجروح پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داده است.

مردی که با ماموران تماس گرفته بود گفت: من مقابل خانه‌ام داشتم سیگار می‌کشیدم. وقتی به ساختمان برگشتم دیدم اصغر ۸۲ ساله با سر و صورت خونی در راه پله افتاده است. بلافاصله موضوع را به دخترش که خانه‌اش چند ساختمان آن‌طرف‌تر بود خبر دادم و بعد هم به پلیس زنگ زدم.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی فرزندان مقتول از نامادری‌شان به نام مریم شکایت کردند و مدعی شدند پدرشان به شاهدان گفته این زن و پسرش عامل زخمی شدنش هستند. وقتی مریم احضار شد، قتل را انکار کرد. او گفت: شوهرم خودزنی کرد. او عصبی و خیلی ناراحت بود به همین خاطر هم خودزنی کرد.

این گفته‌ها در حالی بود که پزشکی قانونی تایید کرد اصغر خودکشی نکرده بلکه مرگ او قتلی است که به دست یک آشنا انجام شده زیرا قاتل توانسته مقتول را غافلگیر کند.

این در حالی است که پلیس متوجه شد مقتول از مدتی قبل با زن همسایه نیز اختلافاتی داشته و همین اختلافات باعث چندین درگیری بین آنها شده بود. به این ترتیب مراورید هم دستگیر شد و در تحقیقات گفت: من مستاجر اصغر بودم. او در ابتدا رفتار خوبی با من داشت اما بعد از مدتی رفتارش تغییر کرد و بهانه‌گیری می‌کرد. گاهی به سگ پسرم ایراد می‌گرفت و گاهی می‌گفت رفت و آمدت زیاد است. این رفتار خسته‌ام کرده بود. یک روز به طلعت، همسر سوم اصغر گفتم شوهرت را می‌کشم. او هم در جواب مدعی شد الان وقتش نیست. او هم از شوهرش دلخوشی نداشت. روز قتل طلعت سراغم آمد و گفت: الان وقتش است و با چاقویی به خانه‌شان رفتم. طلعت خواست دستکش دست کنم تا اثر انگشتم باقی نماند. دستکش کاموایی دست کرده و با چاقو ضربه‌ای به گردنش زدم. اصغر از خواب پرید و از خانه بیرون رفت و من هم از ترس به خانه بازگشتم.

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. بر اساس کیفرخواست مراورید مباشر در قتل و طلعت معاون قتل بود . در این جلسه دو متهم منکر اتهام خود شدند. مراورید مدعی شد تحت تاثیر قرص‌های اعصاب و روانی که می‌خورده و فشار بازجویی، به قتل اعتراف کرده است. طلعت هم گفت: برای گذاشتن زباله از خانه بیرون رفتم و وقتی برگشتم، مراورید با لباس خونی از خانه‌ام بیرون آمد. قضات پس از رسیدگی به پرونده، مراورید را به قصاص و طلعت را به ۱۵ سال زندان محکوم کردند. مراورید بعد از صدور حکم قصاص به رای دادگاه اعتراض کرد و با طرح ادعای جدیدی گفت: طلعت شوهرش را کشت و من شاهد این جنایت بودم. وقتی گفتم او را دیده‌ام، وعده پول داد و خواست قتل را گردن بگیرم که قبول کردم.

پس از طرح این ادعا، حکم قصاص مراورید شکسته شد و پرونده دوباره به دادگاه بازگشت. به این ترتیب پرونده این بار در شعبه دوم دادگاه کیفری رسیدگی شد. قضات دادگاه برای بررسی ادعای متهم به محل جنایت رفته و دریافتند پنجره مورد اشاره مراورید توری دود گرفته و کثیفی داشته و روی آن دو پرده ضخیم نصب شده بود. ارتفاعش هم طوری بود که یک مرد با قد دو متر به زور می‌توانست از آن، خانه همسایه را ببیند.

بار دادعای مراورید، او پای میز محاکمه قرار گرفت.

متهم به قتل در این جلسه گفت: طلعت ادعا کرد بعد از مرگ شوهرش ارث خوبی به او می‌رسد. او وعده پول زیادی را به من داد تا قتل را گردن بگیرم و من هم قبول کردم و قتل را گردن گرفتم.

مراورید در پاسخ به پرسش قاضی درباره تشریح کامل قتل ادعا کرد: من از پنجره شاهد قتل بودم و هر چه دیده بودم را برای پلیس توضیح دادم. طلعت شوهرش را کشت و من قتل را گردن گرفتم . سپس طلعت در جایگاه قرار گرفت و گفت: مراورید دروغ می‌گوید. او شوهرم را کشت. حالا با دروغگویی می خواهد مرا گرفتار کند.

قضات دادگاه در پایان برای صدور حکم وارد شور شدند.

کوتاه از حوادث

کشف ۲ جسد در تالاب



اجساد دو شهروند در تالاب بین‌المللی انزلی کشف شد.

اکبر سبحانی، دادستان بندر انزلی در این باره به خبرگزاری صداوسیما گفت: صبح جمعه هجدهم خرداد، جسد دوشهروند در تالاب انزلی کشف شد.

بازپرس دادستانی بندرانزلی در صحنه حضور پیدا کرده و اطلاعات تکمیلی و نظریه قطعی درخصوص علت فوت پس از کارشناسی پزشکی قانونی اعلام خواهد شد. تحقیقات پلیسی برای مشخص شدن هویت این دو فرد ادامه دارد.

مرگ ۲ کارگر زیر آوار



ریزش آوار در روستای قلعه‌نو املاک پاکدشت به مرگ دو کارگر گرفتار زیر آوار منجر شد.

صفرعلی حسین‌آبادی، رئیس هلال‌احمر شهرستان پاکدشت در این باره به ایسنا گفت: ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه صبح جمعه ریزش آوار در روستای قلعه‌نو املاک به هلال‌احمر گزارش شد. همزمان با حضور نیروهای هلال‌احمر، نیروهای امدادی اورژانس و آتش‌نشانی نیز در محل حاضر شدند. همچنین چهار گروه آواربردارای و سگ‌های زنده‌یاب به محل حادثه اعزام شدند.

وی افزود: در بررسی‌های اولیه معلوم شد که سه کارگر موقع کار بودند که ریزش آوار رخ داد و آنها در زیر تلی از آجر و سنگ گرفتار شدند.

با تلاش‌های نیروهای امدادی بعدازظهر دیروز جسد دونفر را از زیر آوار خارج کردند. وضعیت جسمانی یک کارگر وخیم است و آواربرداری‌ها برای بیرون آوردن او همچنان ادامه دارد.

این سانحه بر اثر ساخت‌وساز غیرمجاز رخ داده بود.

فرار دختر و پسر جوان به ترکیه بعد از ناکامی در اخاذی

دختر جوان و خواستگارش بعد از فرار از خانه و ناکامی در اخاذی میلیاردی به ترکیه گریختند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، روزهای پایانی اردیبهشت امسال مرد میانسالی در حالی که پرونده نیابتی ربوده‌شدن دختر ۱۸ساله‌اش را به دست داشت، به شعبه اول دادیاری دادسرای جنایی تهران آمد و گفت: ساکن جنوب کشوریم. دختر ۱۸ساله‌ام سه هفته قبل به بهانه عیادت دوست بیمارش که تصادف کرده از خانه بیرون رفت و ناپدید شد. دخترم خواستگار ۲۰ ساله‌ای داشت که در اینستاگرام با هم آشنا شده بودند. چون شغل و درآمدی نداشت و سن هر دو کم بود، مخالف این ازدواج بودیم. به او شک کردیم و به خانه‌شان رفتیم که خانواده‌اش گفتند او برای کار به شهر دیگری رفته است.

یک هفته بعد از این ماجرا فردی ناشناس با تلفن ماهواره‌ای به من و خانواده‌ام زنگ زد و اطلاع داد دخترم را ربوده و در برابر آزادی‌اش باید در یکی از محله‌های تهران معادل پنج میلیارد تومان دلار، یورو و سکه به او تحویل دهیم. قبول کردیم و سر قرار رفتیم، چون پلیس با ما بود، محل‌های قرار را تغییر می‌داد.

با بررسی این شکایت، چند روز پیش رد جوان خواستگار در جنوب تهران به دست آمد اما ماموران نتوانستند او را دستگیر کنند و جوان دیگری در آن خانه بود که او در اظهاراتش به پلیس گفت: شهروز خواستگار دختر شاکی از اقوامم بود. آنها بعد از فرار به اینجا آمدند. وقتی موفق به اخاذی از شاکی به بهانه آدم‌ربایی نشدند، با فروش طلاهای دختر جوان اینجا را به مقصد ترکیه ترک کردند.

روحانی‌زاده، دادیار شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: وقتی مأموران به نقطه صفر مرزی رفتند، دختر و پسر جوان از سوی قاچاق‌بر به ترکیه رفته بودند که قرار شد با هماهنگی پلیس بین‌الملل آن دو به ایران بازگردانده شوند.